

بدین ترتیب امروزه، مساحت منطقه جبل عامل با جدا شدن نزدیک به ۱۰۰۰ تا ۱۱۸۹ کیلومتر، از آن، به ۲۰۱۱ کیلومتر کاهش یافته است (ضاهر، ۴۵، بی، جم).

در تقسیمات کشوری جمهوری لبنان، جبل عامل به عنوان استان، مدتی بر استان کنونی نبطیه منطبق بوده است، اما اکنون منطقه جبل عامل در دو استان نبطیه، و لبنان جنوبی قرار گرفته است. نیز ارتفاعهای مشرق شهر بنت جبیل در جنوب لبنان، جبل عامل نامیده می‌شوند (اطلس ... ۴۰).

ویژگیهای اقلیمی جبل عامل: سرزمین جبل عامل در قسمت شرقی از کوهها و تپه‌های به هم پیوسته، و در قسمت غربی از دشتهای ساحلی تشکیل شده است و ارتفاع آن از مغرب به مشرق افزایش می‌یابد، چنان‌که در منطقه جباع ارتفاع به ۷۵۷ متر، و در برخی از قسمتهای شرقی به بیش از ۱۰۰۰ متر می‌رسد. این سرزمین دشتهای ساحلی باریک و حاصلخیزی دارد، از جمله: صور، عدلون، و غازیه (هر ۳ در مغرب)، مرجعیون (در مشرق)، و زمیله (در شمال). رودهای متعددی، همچون لیطانی که از میانه جبل عامل در کنار قاسمیه به مدیترانه می‌ریزد، و رود حاصبانی که از جنوب شرقی می‌خیزد و یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های رود اردن است، زهرانی، اولی و چشمه‌سار ورنی در آن جاری‌اند. چشمه‌ها و چاههای کوچک و بزرگ فراوانی هم دارد که آب زراعی و آشامیدنی آنجا را تأمین می‌کنند؛ از این‌رو، جبل عامل منطقه‌ای بسیار خوش آب و هواست (فقیه، ۹، ۲۸-۳۰؛ بنوت، ۲۳).

میانگین دمای سالانه هوا در کرانه دریا ۲۰° و در نقاط دیگر ۱۵° تا ۲۰° سانتی‌گراد است و میزان بارندگی در سال، از ۶۰۰ میلی‌متر در کناره‌های مدیترانه تا ۱۲۰۰ میلی‌متر در ارتفاعهای شمال در نوسان است (اطلس، همانجا؛ بنوت، ۲۳-۲۴).

در منطقه جبل عامل، سه علت فراوانی منابع آب و حاصلخیزی زمینها، همه‌گونه محصول کشاورزی و باغی به دست می‌آید و انواع انگور، زیتون، مرکبات، سبزیجات، گندم و جو، انجیر، حبوبات، توتون و تنباکو، موز، سیب و نیز عسل بسیار مرغوب در آنجا تولید می‌شود. از درختان خودروی سدر، سرو و کاج نیز که بومی آن منطقه است، از عهد باستان و از دوره فنیقیان در صنایع کشتی‌سازی، به ویژه در بندر صور استفاده می‌کرده‌اند (امین، همان، ۱۵۷-۱۶۰؛ عثمانیه، ۲۸۹-۲۹۶؛ بنوت، ۳۱۱-۳۱۳).

در پیرامون دریاچه حیوا، نیزار بسیار انبوهی است و در آنجا گیاه بردی به وفور می‌روید که از آنها در صنایع کاغذسازی، حصیر و طناب‌باقی استفاده می‌کنند (عثمانیه، ۲۹۵). همچنین برنج در زمینهای اطراف حوله کشت می‌شود و محصول خوبی می‌دهد (همو، ۲۹۳)، و کشت انواع حبوبات نیز در آنجا معمول است.

مراکشی، عبد الواحد، المعجب، به کوشش محمد سعید عربیان و محمد عربی علمی، قاهره، ۱۳۶۸/ق/۱۹۴۹م؛ مقری، احمد، نفع الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۸/ق/۱۹۶۸م؛ نیز:

El<sup>2</sup>: Encarta Reference Library, 2004; Hérodote, *Histoires*, tr. Ph. E. Legrand, Paris, 1970; *The World Book Encyclopedia*, London, 1995. محدرضا ناجی

جَبَلِ عَامِل، منطقه‌ای حاصلخیز در جنوب لبنان و از کانونهای فرهنگ و تمدن فنیقی در عهد باستان و در دوره پیش از اسلام، و از مراکز فرهنگی شیعه در عهد اسلامی.

سبب نام‌گذاری: جبل عامل در عهد جدید جبل جلیل (عبری: دایره) و در منابع اسلامی جبل عامله/عامل، با انتساب به قبیله یمنی قحطانی بنی عامله نامیده شده است که پس از ویرانی سد مأرب بر اثر سیل عرم، بدان منطقه کوچیدند. همچنین از آنجا با انتساب به نام سردار ایوبی، محمد بن بشاره عاملی به عنوان بلاد بشاره/بشارتین یاد کرده‌اند (انجیل متی، ۱۲:۴، ۱۶:۱۰؛ انجیل یوحنا، ۴:۴۳-۴۷؛ یعقوبی، «البلدان»، ۳۲۷؛ مقدسی، ۱۶۱-۱۶۲).

جغرافیا: منطقه جبل عامل سرزمینهای ساحلی و کوهستانی جنوبی لبنان را شامل می‌شود و در گذشته اراضی وسیع‌تری را دربر می‌گرفته است، اما اکنون میان استانهای لبنان جنوبی به مرکزیت صیدا و استان جبل عامل به مرکزیت نبطیه تقسیم شده است. جبل عامل از شمال به رود اولی/فرادیس، از جنوب به رود قَرَن/ابوفطرس یا نهر فطرس، در شمال شهر نهاریه در فلسطین، از شرق به دره بقاع و دره تیم و دریاچه حوله، معروف به دریاچه اردن کوچک و به رود حاصبیا، و از غرب به دریای مدیترانه محدود است (بنوت، ۲۳-۲۴؛ امین، خطه ... ۶۲-۶۳).

مساحت منطقه جبل عامل بالغ بر ۳۲۰۰ کیلومتر، به طول ۸۰ و عرض ۴۰ کیلومتر است؛ اما در گذر زمان، قطعه‌هایی از اراضی و آبادیهای آن جدا گردید و به سرزمین شوف و بخشهای آن افزوده شد، و قسمتهای دیگری هم به اشغال اسرائیل در آمد. از جمله، شهرها و آبادیهایی همچون جزین، روم، کفَر حونه، لُبعا، ریحان و جز اینها در زمان درگیریهای معینان، همچون فخر الدین یکم معنی (د ۹۵۱/ق/۱۵۴۴م)، و فخر الدین دوم معنی (۹۸۰-۱۰۴۵/ق/۱۵۷۲-۱۶۳۵م) و شهابیان (حک ۱۱۰۹-۱۲۵۷/ق/۱۶۹۷-۱۸۴۱م)، به ویژه در عهد بشیر دوم شهابی (۱۲۰۳-۱۲۵۶/ق/۱۷۸۹-۱۸۴۰م) با والیان و پاشایان دولت عثمانی در منطقه، به‌خصوص در جنگهای ایشان با میرمیران آن دولت در منطقه و والی ایالتهای صور و صیدا و پاشای عگا و امیر حج، احمد پاشا، ملقب به جزار، در فاصله سالهای ۱۱۳۲/ق/۱۷۲۰م، و ۱۱۴۸-۱۲۱۹/ق/۱۷۳۵-۱۸۰۴م) از منطقه جبل عامل به موجب پیمان ۲۳ ژوئن ۱۹۲۳، معروف به پیمان حسن همجواری از منطقه جدا شد و به سرزمینهای تحت قیمومت انگلستان بر فلسطین افزوده گردید.

(همانجا). جبل عامل با درخت زیتون پیوند ناگسستگی دارد؛ چنان که در *تورات* از آن منطقه به عنوان «بلاد زیتون» یاد شده است و نیز از قدیم کشت درختان توت و پرورش کرم ابریشم و صنایع ابریشم‌کشی و حریربافی در تمام منطقه رواج داشته است (همو، ۲۹۰-۲۹۱، ۲۹۶).

بندر صور از دوره فنیقی تاکنون در صنایع شیشه معروف بوده، و انواع ظرفهای شیشه‌ای و مهره‌ها به بازارهای خارجی در سواحل شرقی و غربی مدیترانه صادر می‌شده است (همو، ۲۹۹). از دامها، انواع گوسفند و گاو، گاو میش، اسب، الاغ و قاطر را در جبل عامل پرورش می‌دهند. صید ماهی نیز از مشاغل پررونق در تمامی سواحل لبنان به ویژه سواحل جبل عامل، از شهر صیدا تا رأس الناقوره است، و صدها خانواده از آن طریق گذران زندگی می‌کنند (بنوت، ۳۱۳).

در شمال جبل عامل شهر صیدا قرار دارد که ریشه‌ای ژرف و کهن در تاریخ از عصر فنیقی دارد. صیدا در آن زمان «صیدون» نامیده می‌شد و از دوران فتوحات اسلامی و تاریخ عثمانی در دامان خود آثار متعدد و مهمی دارد.

در جنوب جبل عامل شهر صور قرار گرفته که یکی از مهم‌ترین شهرهای بندری و تاریخی مدیترانه با آثار تاریخی فراوان است و نفوذ دریایی و موقعیت بازرگانی و استراتژیک مهمی دارد.

در میانه جبل عامل شهر نبطیه مرکز بازرگانی مهمی در تاریخ جبل عامل و زیستگاه بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان به خصوص در آغاز سده ۱۳ ق/۱۹م است. در شمال شرقی جبل عامل شهر جزین، زادگاه شهید اول، و دارای نخستین مدرسه دینی در تاریخ علمی جبل عامل است.

برخی از شهرهای جبل عامل تاریخ کهن و شهرتی بسیار دارند و شخصیت‌های مهم علمی، دینی و فرهنگی از آنها برخاسته‌اند؛ این شهرها عبارت‌اند از صیدا، صور، جزین، نبطیه، اسکندریه، عدلون، بنت جبیل، تبنین، جبج، شقیفه، صرقند، عیناتا، مشغرا (مشعره)، ناقوره و هونین. برخی از این شهرها — همچون صیدا، صور، اسکندریه و عدلون — از بندرهای مهم جبل عامل در دریای مدیترانه به شمار می‌روند. در پاره‌ای از منابع نامهای شهرها و آبادیهای جبل عامل به تفصیل آمده است. شمار آنها را روی هم ۳۶۵ آبادی، و شمار روستاها را به تنهایی ۳۵۰ پارچه ذکر کرده‌اند (نک: فقیه، ۷۷-۷۸؛ امین، همان، ۲۳۰؛ بنوت، ۲۳-۲۴). مرکز جنوب لبنان شهر صور است و صیدا سومین شهر معتبر لبنان نیز در همین منطقه قرار دارد که دارای امکانات طبیعی فراوانی است (همانجاها).

در منطقه جبل عامل راههای عمده اینهاست: ۱. راه ساحلی شمالی - جنوبی؛ از صیدا تا رأس الناقوره؛ ۲. راه شرقی - غربی؛

جزین تا صیدا؛ ۳. راه شرقی - غربی؛ نبطیه به مرجعیون تا صیدا؛ ۴. راه غربی - شرقی؛ صور تا بنت جبیل. این راهها با انشعابهای فرعی خود همه آبادیهای منطقه را به یکدیگر ارتباط می‌دهند (فقیه، ۱۵-۱۸؛ EI<sup>2</sup>). در جبل عامل آثار تاریخی فراوانی وجود دارد که برخی از مهم‌ترین آنها که شایان یاد کردند، اینهاست: آثار تاریخی شهرهای صور، صیدا و حومه آنها که از کهن‌ترین نقاط باستانی جهان‌اند؛ قلعه‌های متعدد، مانند شقیف ارنون که مربوط به دوره رومیان و دارای موقعیت راهبردی مهمی است؛ قلعه مارون مربوط به دوره اسلامی و قلعه‌های هونین، تبنین، دویبه، و قلاویه/قلویه که مربوط به دوره صلیبیان‌اند (فقیه، ۱۹؛ امین، همان، ۱۶۱-۱۶۴، ۳۳۷-۳۳۸).

در جبل عامل بیش از ۴۰۰ مکان اجتماعی - فرهنگی چون مسجد، بازار، و مدرسه وجود دارد که برخی از آنها بسیار معروف‌اند، از جمله: مسجدهای نبطیه، صور، هونین، جبج (ججاج)، شقراء، و جامع بنت جبیل، و همچنین بازارها و مدرسه‌های جبج، بنت جبیل و نبطیه (همان، ۱۷۲-۱۷۸).

وجود آرامگاههای بسیاری از پیامبران و اولیا و انبیا، همچون یوشع بن نون (ع)، وصی موسی (ع)، و حزقیال نبی (ع) (امین، همان، ۱۷۸-۱۸۰) و نیز گزارشهایی از رفت و آمدهای عیسی (ع) در بخشهای گوناگون آن سرزمین (انجیل متی، ۱۰:۲۸، ۱۶؛ انجیل یوحنا، ۴:۴۳-۴۷) و حدیث نبوی (ص) مبنی بر اینکه: «جلیل از کوههای مقدس الهی است»، همه سبب مقدس شمرده شدن سرتاسر سرزمین جبل عامل شده‌اند. روایات حضور ابوذر غفاری نیز در آن منطقه موجب پدید آمدن زیارتگاههایی در آنجا به نام وی شده است و در روستاهای صرقند و میس الجبیل جایگاههایی وجود دارند که به اعتقاد مردم، ابوذر اندیشه‌ها و مطالب خود را در آن جایها برای مردم بیان می‌کرده است و مردم از دور و نزدیک، به زیارت آن جایها می‌شتابند (بنوت، ۳۲-۳۳؛ امین، همان، ۸۳-۸۵).

جمعیت جبل عامل در سرشماری دهه ۱۳۶۰ ش/۱۹۸۰م حدود ۱۵۰ هزار تن، و پس از آن در سرشماری ۱۳۷۹ ش/۲۰۰۰م حدود نیم میلیون تن بوده است (فقیه، ۷۴؛ آل صفا، ۲۴). براساس همین آمارها، ترکیب جمعیت جبل عامل بدین قرار گزارش شده است: بیش از ۷۹٪ شیعه دوازده امامی، حدود ۱۵٪ اهل سنت و ۵٪ دیگر مسیحی مارونی‌اند (فقیه، ۳۰-۳۱).

اهالی جبل عامل، به اتفاق نظر مورخان، به قبیله عامله فرزند سبأ بن یشجب بن یعرب بن قحطان انتساب دارند که در پی حادثه طبیعی سیل عرم و ویرانی سد مأرب و آوارگی قوم سبأ (نک: سبأ/۳۴) در سرآغاز هزاره ۱ ق.م، در مقطعی مختلف زمانی از همان زمان تا سده‌های نزدیک به ظهور اسلام به تدریج از یمن، نخست به جنوب بحر المیت، و سپس از آنجا به

که قبیله بنی عامله در هنگام فتح اسلامی در جبل عامل، یعنی کوهساران شمالی فلسطین که به نام ایشان نامیده شده است، حضور داشته‌اند (نک: همو، ۲۹-۳۰)، برخی دیگر از گزارشها حکایت از آن دارند که از عصر توراتی تا ۹ق/۶۳۰ م و زمان غزوة تبوک، این قبیله در جایگاه سابق خود، بلقا و جنوب فلسطین در مجاورت قبیله‌های لخم و جذام می‌زیسته است (بلاذری، ۳۶۸/۱؛ نیز نک: فقیه، ۸۳-۸۴).

به نظر می‌رسد که همین گزارشها بیانگر نقل و انتقال قبیله عامله به سمت شمال و به کوهساران جلیل و جبل عامل بوده باشند که به اقتضای ضرورت‌های نظامی در امپراتوری بیزانس به هدف مقابله با فتح اسلامی صورت گرفته است (بنوت، همانجا). نیز محتمل است که انتقال یافتن ایشان، از سازمان‌دهیهای اداری و استراتژیکی نشئت گرفته باشد که پس از فتح اسلامی منطقه، زیر نظر خلیفه دوم و در سفر وی به جایه در ۱۸ق/۶۳۹ م به اجرا درآمده‌اند. اگرچه قبیله عامله، همچون قبیله‌های دیگر عرب، در جنگ یرموک هم‌پیمان سپاه بیزانسی بودند که فرماندهی آن را شهریار غسانی، جبلة بن آیهم (د ۲۴ق/۶۴۴ م) برعهده داشت، این امر مانع از گرایش برخی از خاندانهای آن قبیله به اسلام و حضورشان در جبهه مسلمانان نشد؛ چنان‌که گزارش شده است بنی عامله همراه برادران عرب فلسطینی خود در جنگ یرموک در جناح چپ سپاه مسلمانان بوده‌اند (طبری، ۳/۵۷۰-۵۷۱) و یکی از اضلاع مثلث قبیلگی لخم، جذام و عامله را تشکیل می‌داده‌اند که هر ۳ به بر طبق گواهی تبارشناسان عرب به ریشه قبیلگی واحدی انتساب داشته‌اند و در روزگار بنی امیه تشکل جیره عرب در منطقه به شمار می‌رفته‌اند (ابن حزم، ۴۱۹-۴۲۵) و حتی عدی بن رقاع عاملی شمار رزمندگان ایشان را در بیتی از مدحیه خود در ضمن ستایش روح بن زبایع جذامی، ۸۰ هزار یاد کرده است (نک: ابوالفرج، ۳۰۷/۹، ۳۱۴).

البته، قبیله عامله در عصر اموی هرگز از موقعیت ممتازی که جذام به دست آورده بود، برخوردار نشد؛ حتی در خلال رویدادهای سیاسی سرنوشت‌ساز امویان - همچون واقعه‌های صقین و مزج راهط - ذکری از آنان به میان نیامده است و در سراسر این دوران که حدود یک سده به طول انجامید، شخصیت‌های برجسته‌ای از عاملیان برنخاسته‌اند، مگر دو تن: یکی در صحنه سیاسی، که ثعلبه فرزند سلامه عاملی کارگزار مروان بن محمد، آخرین خلیفه اموی بر اردن بود؛ و دیگری شاعر بلندپایه، عدی بن رقاع عاملی (۹۵ق/۷۱۴ م)، همتای جریر و فرزدق که به مدح ولید بن عبد الملک (حک ۸۶-۹۶ق/۷۰۵-۷۱۵ م) پرداخته و در عصر او می‌زیسته است (طبری، ۱۵۷/۶؛ ابوالفرج، ۳۰۸/۹-۳۱۳؛ ابن قتیبه، ۳۹۱-۳۹۴؛ آمدی، ۱۶۶؛ ابن ابی الحدید، ۳/۲۵۵-۲۵۶). اما در عوض، از همان ابتدای فتح

یقکوهساران جنوبی لبنان کوچیده‌اند و از این‌رو، آن منطقه با انتساب بدیشان جبل عامل نام گرفته است (نک: آل صفا، ۲۴-۲۵؛ حوت، ۷۰).

عاملیان از نظر تباری عرب اصیل‌اند و گویش زبانی ایشان از همه گویشهای دیگر سرزمین شام به عربی فصیح نزدیک‌تر است. همچنین در فرهنگ عمومی و آداب و رسوم و اخلاق اجتماعی، همچون مهمان نوازی، بخشندگی و حفظ حقوق همسایگی از میراث‌بانان فرهنگ ناب عربی به شمار می‌روند و در ادب منظوم و منثور ایشان نیز همین ذوق و سلیقه به چشم می‌خورد (فقیه، ۸۱؛ امین، همان، ۶۹-۷۰، ۸۱).

مردم جبل عامل در دوران پیش از اسلام به آیین مسیحیت معتقد بوده‌اند (حوت، ۷۱) و سپس از همان آغاز فتح اسلامی سرزمین شام به آیین مقدس اسلام گردن نهادند و از همان زمان به تشیع و موالات حضرت امام علی (ع) معروف گردیده‌اند و التزامشان به مبانی مذهبی تشیع در گذر زمان تا به امروز نیز همواره استوار مانده است (نک: امین، همان ۷۲، ۸۳؛ فقیه، ۳۳).

پیشینه تاریخی: سرزمین جبل عامل در عهد باستان و پیش از مهاجرت بنی عامله بدانجا، میهن کنعانیان سامی تبار بوده است و هم ایشان‌اند که یونانیان بعدها آنان را فتیقی، و سرزمینشان را فتیقیه نامیده‌اند (حتی، ۹). در عهد کهن، از این سرزمین دانشمندان بزرگی برخاستند که از آن جمله‌اند: موخوس صیدونی، اموریس صوری (بنوت، ۲۴). اقلیدس (ه م) که بر پایه منابع اسلامی زاده شهر صور بود (صاعد، ۱۷۹). همچنین فروریوس (۲۳۳- ح ۳۰۴ م) زاده صور و شاگرد میز فلوتین اسکندرانی و مؤلف دیباچه کتابهای منطق، معروف به ایساغوجی از این سرزمین بوده است (همو، ۲۱۵؛ ابن عبری، ۱۳۲-۱۳۳).

در هنگام ظهور اسلام منطقه در تصرف دولت بیزانس بود و در ۱۲ق/۶۳۳ سپاه اسلام به مرزهای شام رسید. در ۱۵ق/۶۳۶ م و در جنگ یرموک که در ساحل نهری به همین نام رخ داد، مسلمانان نیروهای بیزانسی را به سمت شمال راندند. در یرموک فرماندهان اسلام سپاه را به چند لشکر تقسیم کردند. سپس تمامی منطقه‌های گشوده شده را میان خود بخش نمودند و به سمت غرب مدیترانه به پیشروی پرداختند (بنوت، ۲۹-۳۰). یکی از این فرماندهان یزید بن ابوسفیان (د ۱۹ق/۶۴۰ م) بود که جبل عامل به دست وی گشوده شد و احتمالاً شرحبیل بن حسته نیز در فتح جبل عامل با او همراه بوده، زیرا در برخی از منابع از وی به عنوان فاتح صور یاد شده است و افزون بر آن، تپه‌ای با موقعیت مهم راهبردی در شمال جبل عامل در نزدیک شهر صیدا، تا به امروز نام وی را بر خود دارد (همو، ۳۰).

اگرچه در گزارشهای اسلامی، به طور اعم، پافشاری می‌شود

اسلامی، عاملیان به طور گسترده به پذیرش آیین مقدس اسلام رو آوردند و به خصوص چون معاویه بن ابوسفیان مخالفان سیاسی خود را از جمله به جبل عامل در جنوب لبنان تبعید می کرد، ایشان اندیشه‌های ناب اسلامی را از زبان بزرگان دین فرا می گرفتند و به نشر آموزه‌های آیین تازه در بیشتر نواحی جبل عامل و منطقه خویش می پرداختند (بنوت، ۲۹-۳۱).

از جمله پیش کسوتان نشر و پاسداری اسلام در منطقه شام و به ویژه در جبل عامل، صحابی بزرگ، جُنْدَب بن جناده، معروف به ابوذر غفاری بود. بر طبق گزارشهای فتوح، افراد قبیله بنی غفار، قبیله ابوذر غفاری، همراه شمار اندکی قیسی مرکب از قبیله‌های مُزَینه، گعب و اَسَلَم که از ۲۰۰ نفر تجاوز نمی کردند، به فرماندهی ضحاک بن قیس فهری در عهد ابوبکر بیرون شتافته، به سپاه یزید بن ابوسفیان در شام پیوستند. ابوذر در فتح شهر بیت المقدس شرکت کرد و به نظر می رسد که قبیله غفار از آن پس در آن شهر اقامت گزیده باشند، زیرا ابوذر نیز آنجا را محل اقامت خود گردانید و آن منطقه را «ارض الجهاد» خویش خواند. او از همان جا در جنگهایی که با بیزانس رخ می داد، شرکت می کرد و در شهرهای جبل عامل ستادها، و در شهر قدس نیز پایگاهی که به نظر می رسد، پایگاه کارهای جهادی او بوده، دایر کرده بود. یکی از ستادهای او در شرق جبل عامل در شهر میس الجبل، و دیگری در غرب جبل عامل بر ساحل مدیترانه در شهر صرفند بوده است. افزون بر این شهرها، او در روستاها و شهرهای دیگر منطقه نیز رفت و آمد می کرد و تعالیم اسلامی را آموزش می داد. ستادهای یاد شده، هم اکنون به نام مقامهای ابوذر موجودند و به دو مسجد کهن تبدیل شده‌اند که مردم به زیارت آنها می روند. ابوذر از همان جا در ۲۳ق/۶۴۴ م در پیکارهای صائقه شرکت جست و نیز در ۲۷-۲۸ق/۶۴۸-۶۴۹ م از جمله صحابیان بزرگی بود که در فتح قبرس شرکت کرده بودند (نک: یعقوبی، تاریخ، ۲۴/۲).

گزارشها حکایت از آن دارند که معاویه جنوب لبنان را تبعیدگاه مخالفان سیاسی خود کرده، و ابوذر غفاری را هم به سبب اندیشه‌های پرشور اسلامی- انقلابی در آنجا به عنوان تبعیدی تحت نظر نگه داشته بود و حتی او به عثمان شکایت برده، درخواست نموده بود که ابوذر را از شام دور گرداند؛ عثمان نیز ابوذر را به مدینه احضار نمود (طبری، ۲۸۵-۲۸۳/۴؛ ابن اثیر، ۱۱۳/۳، ۱۱۶-۱۱۳/۳؛ سمعانی، ۳۰۶-۳۰۴/۴؛ بنوت، ۳۱-۳۲).

پس از فتح اسلامی شام، نیروی دریایی بیزانس، پیوسته دست به حمله‌ها و غارت‌های مکرر شهرهای ساحلی مصر و شام می زد، شهرها را ویران می کرد و مردم را می کشت و جزیره قبرس پایگاه این حمله‌های دریایی بحریه ایشان بود. از این رو، به اقتضای اوضاع نظامی، مسلمانان تصمیم به فتح جزیره قبرس

گرفتند، اما نخست می بایست نیرویی دریایی تأسیس می کردند. از این رو، معاویه به اهالی بندرهای صور و عکا دستور داد کشتیهای خود را ترمیم کنند و همه را به مرکزی که در عکا تعبیه شده بود، انتقال دهند. معاویه خبرگان کشتی سازی و ماهران نیروی دریایی را نیز از دوردستها به عکا فراخواند و از جمله اسواران ایرانی بندر ابله (بصره) و برخی از دریانوردان دیگر ایرانی را که در خلیج فارس حضور داشتند، بدانجا برد و چون ترمیم و تجهیز کشتیها و تأسیس نیروی دریایی تکمیل شد، در ۲۷ق به قبرس حمله برد و سپس دستور داد صنایع کشتی سازی مصر هم بدانجا منتقل گردند، تا آنجا پایگاه اصلی حفاظت از امنیت کرانه‌های دریا و مرکز نیروی دریایی باشد. بدین ترتیب، تا زمان خلافت هشام بن عبد الملک (۱۰۶-۱۲۶ق/۷۲۴-۷۴۳ م) همان جا مرکز اصلی صنایع کشتی سازی و پایگاه مرکزی نیروی دریایی مسلمانان بود و در آن زمان به شهر صور، انتقال یافت و تا زمان خلافت متوکل (۲۰۶-۲۴۷ق/۸۲۷-۸۶۱ م) و به قولی، تا زمان مقتدر (۲۹۵-۳۲۰ق/۹۰۸-۹۳۲ م) صور همچنان مرکز و پایگاه بود و سپس باز به عکا انتقال یافت (عثامنه، ۳۰۱-۳۰۲).

استفاده مسلمانان از موقعیت استراتژیک جبل عامل موجب تحکیم وضعیت نظامی و دفاعی ایشان و سبب برقراری امنیت در منطقه شد و پس از آن شهرها آباد و بازارهای داخلی پررونق شدند و گلوگاه بازرگانی بین المللی در اختیار ایشان قرار گرفت (همانجا). بدین ترتیب، منطقه جبل عامل و به خصوص شهر صور، از همان آغاز فتح اسلامی نقش خود را در سیاست دریایی مسلمانان ایفا کرد و گرایش فراگیر عاملیان به اسلام و تشیع از همان دهه‌های آغازین سده ۷ق/۷ م، موجب گردید تا در میان یاران امام حسین (ع) و شهیدان کربلا شخصیهایی پرورش یابند و در این کانون انتشار فرهنگ اسلامی، افرادی همچون عمر بن خالد و قیس بن مسهر، هر دو از اهالی صیدا پدید آیند (طبری، ۳۵۲/۵، ۳۵۴، ۴۴۶؛ نیز نک: بنوت، ۳۳).

در سده ۲ق/۸ م منطقه جبل عامل گواه قیام ابوالعمیطر علی بن عبد الله بن خالد بن یزید بن معاویه، معروف به سفیانی شد که در عهد خلافت امین (۱۹۳-۱۹۸ق/۸۰۹-۸۱۳ م) بر ضد عباسیان در منطقه شام سر برداشت و مدعی بود که زاده دو پیر صفین، امام علی (ع) و معاویه است و می خواهد که حق را به حق دار برساند، یعنی حکومت را دوباره به امویان باز گرداند. سردار عباسی، محمد بن یهس کلابی، در منطقه شبا از توابع جبل عامل، در جنگ سختی که میان دو طرف رخ داد، ابوالعمیطر را شکست داد و جنبش سفیانی فرو نشست و اگرچه اهالی جبل عامل با قیام سفیانی همکاری نداشتند، اما همین قیام زمینه ساز مشارکت فراگیر مردمی در نهضتهایی گردید که در منطقه‌های مختلف بر ضد حکومت عباسی شکل می گرفت (مکی، ۷۱-۷۲).

برداشتند (همو، ۳۸).

در جبل عامل هم هم‌زمان با حملهٔ بیزانس به فرماندهی دوکاس (۴۶۳-۴۷۱ق/۱۰۷۱-۱۰۷۸م) به باروی اقامیه، در شهر صور شورش برضد فاطمیان شکل گرفت. رهبر شورشیان دریانوردی از اهالی صور به نام علاقه بود که حضور فاطمیان در طرابلس، و نیروی دریایی بیزانسی در منطقهٔ جبل عامل را برای موفقیت قیام خود مغتنم شمرد (همانجا).

بیزانسیان همواره در پی برقراری ارتباطی استوار با مخالفان حکومت فاطمی بودند و علاقه برای این هدف بهترین وسیله بود و البته حرکت او به منزلهٔ خیانتی بزرگ به منطقه به شمار می‌آمد، زیرا با این کار دروازه‌های منطقه را به روی دشمن خارجی به‌خصوص بیزانس باز می‌کرد (همانجا). فاطمیان بی‌درنگ توانستند نیروی دریایی بیزانس را که برای پوشش دادن به جنبش علاقه، شهر صور را محاصره کرده بود، در پی جنگ دریایی سختی نابود کنند. آن‌گاه به شهر درآمدند و آتش شورش را با دستگیری رهبر شورشیان خاموش کردند، سپس او را به مصر برده، در آنجا به قتل رساندند و با این کار ضربه‌ای کاری بر نیروهای بیزانس - که چیرگی خود را بر تمامی شام در گرو چیرگی بر منطقهٔ جبل عامل و به خصوص بر شهر صور می‌دید - وارد کردند (همو، ۳۸-۳۹).

در همین هنگام پیدایش امیرنشین مستقلی در صور به دست قاضی عین الدولة بن عقیل جلب نظر می‌کند که دولت فاطمی قاهره بی‌درنگ و مستقیم برای سرکوب آن وارد عمل شد و به نیروهای خود فرمان محاصرهٔ صور را صادر کرد. همین امر، موجب شد که ابن عقیل، از ترکان دمشق که امیر قرلو بر ایشان فرماندهی داشت، یاری بطلد. او نیز لشکری مرکب از ۱۱ هزار سپاهی به کمک بنی عقیل فرستاد تا شهر صیدا را که پیوسته پیرو فاطمیان بود، محاصره کردند و فرمانده نیروهای محاصره‌کنندهٔ صور، امیر بدر الجمالی مجبور به برداشتن محاصره از صور گردید (مکی، ۱۰۲؛ بنوت، همانجا).

پس از آن، امارت بنی عقیل به مدت ۲۰ سال استمرار یافت و عین الدوله و پس از وی فرزندان او زمام امور را در دست داشتند. آن‌گاه امور صور به دست فاطمیان افتاد و آنان امیر منیر الدولهٔ جیوشی را به حاکمیت آنجا تعیین کردند، اما او هم تصمیم به استقلال از دولت فاطمی گرفت، ولی شکست خورد و دستگیر گردید (همانجا).

بندر صور که از ابتدای فتح اسلامی بندر اصلی چند اردن به شمار می‌رفت، چه در دورهٔ اموی و عباسی، و چه در دورهٔ تسلط فاطمی درآمد تجارتهی بالایی، گاه ۴۰٪ و گاهی ۵۰٪ درآمد بیت المال از چندهای شام و اردن را به بیت المال سرازیر می‌کرد؛ زیرا افزون بر مقادیر بالای جزیه و خراج که از آنجا

در ۲۴۶ق/۸۶۰م مردم جبل عامل در نهضتی فراگیر شرکت کردند که اگرچه از دشت اردن آغاز شد، اما در همهٔ مناطق شام گسترش یافت و از جمله تمامی منطقهٔ جبل عامل را فراگرفت و چون رهبری این نهضت با شخصی به نام مُبرقع بود، این نهضت نیز بدین نام معروف گردید و چون بر کشاورزان تکیه داشت، نوعی نهضت فصلی بود که در فصلهای گوناگون زراعی شورشها تکرار می‌شد (بنوت، ۳۶). این شورشها در مناطق غربی جهان اسلام زمینهٔ پیدایش دولتکهای نیمه‌مستقلی را فراهم ساختند که اولین آنها دولت طولونی بود که در ۲۵۶ق/۸۷۰م، احمد بن طولون آن را تأسیس کرد و مصر را مرکز این دولت قرار داد؛ سپس توانست بلاد شام و چندین منطقهٔ دیگر از جمله جبل عامل را بارها و بارها به قلمرو خود ضمیمه کند (همو، ۳۷). در پی آن، دولت قرمطیان، سپس دولت اخشیدیان در مصر، و دولت حمدانیان در حلب شکل گرفتند و همواره دولت عباسی از بغداد لشکر اعزام می‌کرد و این منطقه‌های سر به استقلال برداشته را با نیروی نظامی به زیر سلطهٔ خود درمی‌آورد، اما از حدود سال ۳۷۸ق/۹۸۸م، دولت فاطمی که در شمال افریقا تأسیس شده، و مصر را به پایتختی خود برگزیده بود، تصمیم گرفت نفوذ و قلمرو خود را در شام و به‌ویژه در منطقهٔ جبل عامل گسترش دهد. از این رو، شهرهای ساحلی بارها و بارها هم از سوی فاطمیان، و هم از سوی عباسیان مورد حمله قرار گرفتند و پس از افتادن شام به دست فاطمیان در ۳۸۹ق/۹۹۹م، در دمشق و شهرهای دیگر شام شورشهای متعددی برضد حکومت فاطمیان پدید آمد، اما اهالی جبل عامل پذیرای حکومت جدید شدند و شهر صور که از آغاز تأسیس دولت طولونی از زیر سیطرهٔ خلافت عباسی بیرون آمده بود، در این هنگام به پایگاه مرکزی دولت فاطمی در منطقهٔ شام بدل شد (همو، ۳۷).

در این هنگام، طرابلس پایگاه جدید دولت عباسی برای جلوگیری از حمله‌های بیزانس به منطقهٔ شمالی شد، اما صور همچنان نقش عمدهٔ خود را به عنوان پایگاهی جنوبی در حراست منطقه ایفا می‌کرد و مهم‌ترین وظیفه‌اش به جز حمایت این بخش از ساحل مدیترانه، نظارت بر جابه‌جایی نیروهای سیاسی مخالف فاطمیان و مقابله با قرمطیان، ترکمانان و صلیبیان در داخل منطقه نیز بود (عثمانه، ۳۰۱؛ بنوت، همانجا)؛ اما در همین ایام در شهرها و آبادیهای دیگر منطقه به سبب امضای قرارداد صلحی میان خلیفهٔ فاطمی، الحاکم بامر الله (۳۷۵-۴۱۱ق/۹۸۵-۱۰۲۱م) با امپراتور بیزانس، باسیلیوس دوم (۳۵۲-۴۱۶ق/۹۶۳-۱۰۲۵م)، مخالفت با دولت فاطمی برپا شد و دامنهٔ شورشها بالا گرفت، از جمله در دمشق نافرمانی بر ضد پاسگاههای نیروهای فاطمی، به نابودی شمار زیادی از سپاهیان ایشان که عنوان چند مغاربه داشتند، منجر شد و در رمله هم بنی جراح سر به شورش

باقی مانده بود. این قسمت تا پس از ۵۰۳ ق/۱۱۱۰ م تنها منطقه‌ای بود که دمشق را به یک بندر دریایی که صور باشد، ارتباط می‌داد و از آن‌رو، طغتكین توجه بسیاری به باقی نگه‌داشتن آن منطقه به دور از اشغال صلیبیان نشان می‌داد و در همان حال، صلیبیان نیز متوجه نقطه ضعف خود در منطقه بودند و تاریخ منطقه در پی سقوط صیدا، همواره در پیوند با جنگ و سرنوشت صور رقم می‌خورد (مکی، ۱۲۴؛ بنوت، ۴۶-۴۷).

در این زمان صلیبیان برای تکمیل عملیات محاصره صور، در نزدیکی شهر و در منطقه معشوق برجی جدید احداث کردند، اما همچنان هر تلاشی که از ۵۰۴ ق/۱۱۱۱ م برای اشغال صور می‌کردند، بی‌نتیجه می‌ماند (ابن اثیر، همانجا؛ بنوت، ۴۷).

در مقابل کمکهای پیاپی که از راه کوهستان توسط اتابک طغتكین بوری، حاکم سلجوقی دمشق (حک ۴۹۷-۵۲۲ ق/۱۱۰۴-۱۱۲۸ م) به صور می‌رسید، شهر وابستگی به سلجوقیان را اعلان کرد و ایشان امیر مسعود را به حکومت آنجا منصوب کردند، بی آنکه خواندن خطبه به نام خلیفه فاطمی در آن شهر متوقف شود (بنوت، ۴۸-۴۹).

در این هنگام، طغتكین پس از تجهیز سپاه حمله‌ای گسترده بر نیروهای صلیبی آغاز کرد که در خلال آن توانست قلعه تبین را بکوبد و به سرزمینهای فلسطینی درآید، چنان که صلیبیان وادار به تقاضای مذاکره با وی شدند، اما او نپذیرفت، ولی به علت ازهم گسیختگی وحدت اسلامی، نتوانست به پیروزی چشمگیری دست یابد. از این‌رو، صلیبیان حمله خود را به صور از سر گرفتند و در جنوب شهر در نزدیک اسکندرون قلعه‌ای تازه احداث کردند که پایگاهی سوق الجیشی بر ساحل بود، اما در آن زمان (۵۱۰ ق/۱۱۱۶ م)، نتوانستند از آنجا به سوی شمال در جهت شهر پیش‌تر بروند (همو، ۴۹).

در ۵۱۶ ق/۱۱۲۲ م نیروی دریایی فاطمیان به بندر صور رسید و پس از تعیین حاکمی فاطمی برای شهر، دوباره آنجا را به زیر سیطره حکومت مصر درآورد، اما به مجرد اینکه نیرو بندر را ترک کرد، اهالی از دمشق درخواست کمک کردند و طغتكین بدیشان پاسخ مساعد داد و در پی آن، شهر به مدت دو سال، مدام زیر حمله‌هایی از هر دو طرف بود تا اینکه در زمستان ۵۱۸ ق/۱۱۲۴ م صلیبیان با نیرویی دریایی مرکب از ۳۰۰ کشتی و ۱۵ هزار سپاهی از دریا و خشکی شهر را محاصره کردند و آن را در پایان همان سال به تسلیم واداشتند. با سقوط صور صلیبیان بر همه جبل عامل چیره شدند و آن را بر طبق تقسیمات اداری جدید خود تابع مملکت لاتینی بیت المقدس قرار دادند (ابن اثیر، ۶۲۰/۱۰-۶۲۲؛ ابن جیسر، ۲۷۷-۲۷۸؛ بنوت، ۴۹-۵۱).

صلیبیان در پی چیرگی بر جبل عامل به تحکیم دژهای منطقه

وصول می‌شد، تمامی عوامل لازم برای تبدیل شدن آنجا به منبع ثروت را دارا بود. از جمله، موقعیت جغرافیایی، ثبات نسبی اوضاع سیاسی و دینی، موقعیت دستگاه مالیات‌گیری، فصول خوب و وفور کالا و محصول در منطقه فراهم بودند و دولت فاطمی پس از براندازی بنی عقیل و دستگیری منیر الدوله جیوشی، مالیاتی بسیار سنگین بر بازرگانی صور بست (همو، ۳۹؛ عثمانی، ۲۸۸) و به نظر می‌رسد که همین امر در کنار توالی علتها و رویدادهای دیگر داخلی و بین‌المللی، سبب هجوم هزاران نفر از غرب به سوی شهرهای منطقه گردید که به عنوان جنگهای صلیبی به مدت چند سده آنجا را به خاک و خون کشیدند (مکی، ۱۲۰ بی.).

در نخستین حمله صلیبی صیدا و نیروهای دفاعی شهر در مقابل صلیبیان به دفاع پرداختند و از شهر محافظت کردند، اما صلیبیان به نابود کردن روستاها و مزارع اطراف پرداختند و خود را در ۴۹۲ ق/۱۰۹۹ م به بیت المقدس رساندند و نخستین امیرنشین لاتین را در اورشلیم تأسیس کردند، اما نتوانستند صیدا و منطقه جبل عامل را به اشغال خود درآورند و حتی در ۴۹۹ ق/۱۱۰۶ م که ملک بودوئن کوشید شهر را تصرف کند، موفق نشد و عقب‌نشینی کرد. اما هنگامی که نیروهای حمله دوم صلیبی در ۵۰۱ ق/۱۱۰۸ م به کمک ایشان آمدند، شهر را از دریا و خشکی در محاصره‌ای سخت گرفتند و این امر فاطمیان را به اعزام سریع نیرویی دریایی برای دفع خطر از صیدا واداشت که «توانست کشتیهای صلیبیان را شکست دهد و محاصره دریایی شهر را از بین ببرد» (همو، ۱۲۰-۱۲۱؛ بنوت، ۴۵-۴۶)؛ اما چون نیروی دریایی اصلی فاطمیان مقیم صور بود، آنان نتوانستند از سقوط صیدا به دست صلیبیان جلوگیری کنند و چون در ۵۰۳ ق/۱۱۱۰ م شهر سقوط کرد، صلیبیان غرامتی بر اهالی به مبلغ ۲۰ هزار دینار بستند که ایشان را به فقر و فاقه کشتاند و اموالشان مصادره شد (ابن اثیر، ۴۷۶/۱-۴۷۷؛ نک: بنوت، ۴۶).

پس از سقوط صیدا، در منطقه جبل عامل، شهر صور تنها بندر فاطمی در ساحل شرقی مدیترانه بود و فاطمیان در استوارسازی و تبدیل آن به پایگاه دریایی بسیار کوشیدند و از همان پایگاه بود که به مواضع صلیبیان حمله می‌کردند (همانجا).

صلیبیان در ۴۹۸ ق/۱۱۰۵ م، دژ استواری در تبین، یکی از شهرهای جبل عامل در نزدیک صور ساختند و این امر پس از آن بود که با گذر از جبل عامل از راه داخلی، دور از خط ساحل این بار به بیت‌المقدس رسیده بودند (همانجا). آنان در ۵۰۰ ق/۱۱۰۷ م در هونین نیز دژی به عنوان مرکز نظامی تأسیس کردند که امدادی برای ایشان در تحکیمشان بود؛ با وجود این، یک خط عبور خشکی در داخل جبل عامل، بیرون از نقاط اشغالی

۵۵۰، ۵۶۵-۵۶۶؛ طراونه، ۵۲؛ بنوت، ۶۴).

با افتادن قلعه شقیف به دست مسلمانان و پاک‌سازی آن منطقه، به حضور صلیبیان در بخش داخلی جبل عامل خاتمه داده شد، اما نوار ساحلی همچنان در دست صلیبیان باقی مانده بود تا اینکه پس از فتح طرابلس در بهار ۶۸۸ ق/ ۱۲۸۹ م به دست مسلمانان افتاد. در ۶۹۰ ق/ ۱۲۹۱ م مسلمانان به عکا هجوم بردند؛ در ضمن محاصره عکا ملک اشرف خلیل قسمتی از نیروهای خود را برای حفاظت راهها به منطقه ساحلی صور فرستاد و چون اهالی از لشکر سلطان امان خواستند، بدیشان امان دادند و ایشان هم شهر را تسلیم کردند و در پی آن شهر صیدا، آن‌گاه بیروت و سرانجام حیفا و عثلیت نیز تسلیم شدند و مسلمانان با این پیروزیها به حضور صلیبیان که مدت دو سده بر منطقه چیرگی داشتند، پایان دادند و پس از آن در زیر حکومت مملوکان تا فتح عثمانی، در تاریخ منطقه جبل عامل صفحه تازه‌ای گشوده شد (طراونه، ۶۱، ۶۳، ۶۴؛ بنوت، ۶۶). در دوره مملوکان جبل عامل به ۴ ولایت تابع مملکت صغد تقسیم گردید که عبارت بودند از: ۱. ولایت تبنین و هونین به انضمام ۳۲ روستا، ۲. ولایت صور به انضمام ۲۷ روستا، ۳. ولایت شقیف به انضمام ۳۴ روستا، و ۴. ولایت اقلیم به انضمام ۱۲ روستا. ولایت شقیف بزرگ‌ترین ولایت در مملکت صغد به شمار می‌رفت (همو، ۶۶-۶۷).

در ۶۹۱ ق/ ۱۲۹۲ م سلطان خلیل اشرف به منطقه کسروان در استان کنونی جبل لبنان حمله کرد و در طی ۳ حمله سراسر قتل و غارت میان سالهای ۷۰۱-۷۰۵ ق/ ۱۳۰۲-۱۳۰۵ م، آنجا را به دست نابودی سپرد و سکنه‌ای را که از دم تیغ جان سالم به در برده بودند، از آنجا بیرون راند. مردمی که به جبل عامل پناه بردند و در منطقه شمالی جزین اقامت گزیدند، با اهالی به زندگی پرداختند و از همان‌جا بود که نهضت مقاومت جدید جبل عامل پس از مدتی شکل گرفت (همو، ۷۰). با روی کار آمدن دسته جدیدی از مملوکان در مصر، اختلاف میان مملوکان بحری و برجی بالا گرفت و در ۷۸۴ ق/ ۱۳۸۲ م سلسله مملوکان برجی چرکسی به رهبری ظاهر برقو به حکومت دست یافتند و در منطقه جزین جبل عامل همجوشی کسروانیان و عاملیان شکل جدیدی از همبستگی یافت و از این راه، برای مقابله با هرگونه حمله جدیدی آمادگی یافتند و نهضت مقاومت ملی-اسلامی در میانشان شکل گرفت (همانجا).

از ابتدای سده ۸ ق/ ۱۴ و سالهای بعد در جبل عامل چهره‌هایی علمی و دینی همچون شیخ طحان بن صالح عاملی و شیخ صالح بن مشرف عاملی ظهور کردند که هدفشان اصلاح همه منطقه جبل عامل بود. با آغاز سده ۹ ق/ ۱۵ م مکتبهای دینی رو به ظهور نهادند که مهم‌تر از همه مکتب جزین بود. این مکتب را شمس الدین محمد بن مکی جزینی، معروف به شهید

پرداختند؛ از جمله شاه اورشلیم، فولک، در ۵۲۹ ق/ ۱۱۳۵ م قلعه شقیف را که بیشتر ساختمانهایش از روزگار بیزانسیها و برخی نیز از دوره اسلامی بر جای مانده بود، بازسازی کرد (همو، ۵۴). با روی کار آمدن صلاح الدین ایوبی و بر افتادن دستگاه خلافت فاطمیان در ۵۶۶ ق/ ۱۱۷۱ م بیشتر نواحی شام به دست صلاح الدین افتاد؛ او در ۵۶۸ ق بر دمشق چیرگی یافت و سپس شهرهای حمص و حماه را به تصرف خود درآورد، آن‌گاه در ۵۸۳ ق/ ۱۱۸۷ م، نیروهای صلیبی را در حطین در هم کوبید و تا ۵۸۶ ق سراسر منطقه جبل عامل به جز صور و قلعه شقیف را از تصرف صلیبیان بیرون آورد (نک: همو، ۵۸-۵۹).

پس از مرگ صلاح الدین و پدید آمدن اختلاف میان جانشینان وی منطقه به ضعفی شدید دچار شد و صلیبیان توانستند همه منطقه‌ها از جمله جبل عامل را که مسلمانان از ایشان باز پس گرفته بودند، از نو به تصرف درآورند، تا اینکه نیرویی جدید به نام ممالیک در جهان اسلام به مرکزیت مصر روی کار آمد. در این زمان افزون بر صلیبیان، خطر حمله مغولان نیز پدید آمده بود و این سلسله در ۲۶ رمضان ۶۵۸ ق/ ۳ سپتامبر ۱۲۶۰ م در جنگ عین جالوت و با یکپارچه کردن مصر و شام و شکست دادن مغولان توانستند جنگ با صلیبیان را در سراسر شام دنبال کنند (همو، ۶۰-۶۱).

پس از روی کار آمدن ملک ظاهر بیبرس اول (حک ۶۵۸-۶۷۶ ق) و انتقال مرکز خلافت از بغداد به مصر و پیروزی مملوکان بر مغولان در عین جالوت، عملیات نظامی بر ضد صلیبیان با ویران‌سازی کلیسای ناصره در ۶۶۰ ق/ ۱۲۶۲ م به وسیله نیروهای بیبرس آغاز گردید. او پس از محاصره قیساریه و گرفتن آن شهر در ۶۶۳ ق/ ۱۲۶۵ م، به عملیات فتح ادامه داد و با پیشروی در شمال، ارسوف را تصرف کرد و سپس به حیفا و عثلیت که از مراکز مهم تجمع صلیبی بودند، حمله برد و آنجاها را غارت کرد (همو، ۶۳).

ملک ظاهر بیبرس سپس تصمیم به آزادسازی صغد گرفت، اما پیش از محاصره آنجا مجموعه‌ای از سپاه خود را به عملیاتی اکتشافی به منطقه شقیف فرستاد. هدف بیبرس از این کار برگرداندن نظر فرنگیان از قصد حقیقی خود بود تا فرصت بیابد نقشه اشغال صغد را پیاده کند. او ۴ بار پشت سر هم بدانجا حمله کرد تا اینکه در تابستان ۶۶۴ ق/ ۱۲۶۶ م صغد به دستش افتاد و از آنجا آهنگ آزادسازی کامل منطقه جبل عامل کرد و در همان سال به قلعه‌های تبنین و هونین جبل عامل رفت که در اختیار فرنگیان بودند؛ پس آنها را به تصرف درآورد و هر دو را به طور کامل چنان ویران ساخت که هیچ اثری از آنها به جا نماند. پس از آن آهنگ قلعه شقیف کرد و در ۶۶۶ ق/ ۱۲۶۸ م آنجا را نیز به تصرف درآورد (ابن شداد، ۱۵۲/۱-۱۵۳؛ مقریزی، ۵۴۹/۱-۵۴۹/۱).

اول (۷۳۴-۷۷۶ق/۱۳۳۳-۱۳۸۴م)، پیشوای نهضت عاملیان و مؤسس حرکت انقلابی در آن سرزمین پی افکند (همو، ۷۱).  
با از میان رفتن حمله‌های صلیبی به سرزمین شام و حکومت مملوکان بر منطقه جبل عامل، نظام اقتصادی و اجتماعی جدیدی در منطقه رو به رشد نهاد که از آن به نظام ارباب-رعیتی تعبیر می‌شود. این نظام در حقیقت نوعی تیول‌داری بود که دولت مملوکی خود قدرت اصلی محسوب می‌شد. دولت هر منطقه را به عنوان تیول به اربابانی محلی واگذار می‌کرد و آنان بر زمینهای کشاورزی و کشاورزان حکومت می‌کردند و به دولت مالیات می‌دادند و در صورت لزوم سپاهیان خود را در اختیار دولت می‌گذاشتند (همو، ۷۴).

پس از شهادت پیشوای نهضت مقاومت اسلامی جبل عامل، شهید اول، یک خانواده از اربابان محلی منطقه موسوم به آل بشاره به صحنه درآمدند که منطقه جنوبی جبل عامل را هدف سیطره خود گردانیدند. آنان صور را مرکز توسعه نفوذ خود به سوی زمینهای زراعی غنی آن منطقه قرار دادند. در ۸۴۲ق/۱۴۳۹م ابن بشاره به عمران صور پرداخت و با دایر کردن بازارهایی در آنجا خلقی انبوه را بدانجا انتقال داد و در استوارسازی استحکامات این شهر کوشید (امین، خطط، ۱۳۲-۱۳۳). آنان در رویدادهای جبل عامل به‌ویژه، در پیکار میان ناصر فرج بن برقوق و امیران مملکت صفد، در کنار نایب الحکومه دمشق، امیر شیخ محمودی در حمله به صفد در ۸۰۷ق/۱۴۰۵م قرار گرفتند. امیر احمد بن بشاره که همراه نافرمانان در حمله شرکت یافته بود، فرماندهی ایشان را برعهده داشت و فرصت مناسبی برای غارت و یغماگری به دست آورد (همان، ۱۳۳؛ بنوت، ۷۶).

خاندان بشاره در ۸۱۰ق/۱۴۰۸م نیز در کنار ناصر فرج، در جنگی که میان نایب الحکومه صفد، امیر بکتمر شلق و نایب الحکومه جدید دمشق، امیر نوروز در گرفت، شرکت کردند و در ۸۱۱ق قدرت خود را در جبل گسترش دادند و ساکنان منطقه شمالی آن را غارت کردند و گروهی از ایشان را کشتند. همچنین سپاهی را که برای جلوگیری از اعمال آنان اعزام شده بود، کشتار کردند و با بهره‌گیری از آشفتگی و هرج و مرج منطقه، بر مردم سخت گرفتند (مقریزی، ۶۷/۴، ۷۲).

در این روزگار، گه‌گاه چهره‌هایی تازه از این خاندان ظهور می‌کردند که در منطقه آوازه در می‌افکندند. یکی از ایشان حسن بن بشاره بود که به درجه‌ای از نیرومندی و نفوذ رسید که ندهتها در مملکت صفد، بلکه در تمام سرزمین شام بر شیوخ عشایر تقدم یافت (همو، ۶۷/۴، ۶۲۷).

با افزایش نفوذ خاندان بشاره در منطقه جبل عامل، حمله‌های مکرری از سوی سلطان مملوکی و پیشوایان عشیرگان منطقه به

سوی آنان آغاز شد و سخت‌ترین آنها، حمله پیشوای بقاع، ناصر الدین محمد بن حنشل در ۹۰۹ق/۱۵۰۳م با کمک نایب الحکومه‌های منطقه به منظور تسلط بر جبل عامل بود. ابن حنشل با سپاه ۵ هزار نفری با ایشان به پیکار پرداخت و با وجود اینکه عبد الساتر بن بشاره به مقابله با او رفت و از سپاهیان ابن حنشل حدود ۲۰۰ نفری را به قتل رسانید، اما این خاندان زمین‌دار چنان شکستی خورد که پس از آن دیگر در هیچ مأخذ گفت‌وگویی از کاری که از ایشان سر زده باشد، وجود ندارد (بنوت، ۷۸).

چون در این دوره، جبل عامل در زیر سلطه حکومت مملوکی و در هرج و مرج ملوک طوایفی و اوضاع آشفتنه ناشی از شورشها و جنبشها به سر می‌برد و همه درها به روی جنبشهای اصلاح‌طلبانه‌ای که شهید اول براساس اندیشه سیاسی و ققاهتی اسلامی در منطقه پی افکنده بود، بسته شده بود، اندیشمندان اصلاح طلب و عالمان دینی جبل عامل، به بیرون از جبل نظر دوختند، بدین امید که بتوانند آن اندیشه را در نقاط دیگری از جهان اسلام شکوفا سازند. از آنجا که در ایران سلسله صفویه با تکیه بر اندیشه سیاسی اسلامی شیعه تازه روی کار آمده بود، ایران بهترین کشوری بود که نظر ایشان را به خود جلب کرد (همانجا). شیخ نورالدین علی بن عبد العالی گزکی عاملی، معروف به محقق کرکی (۸۶۸-۹۴۱ق/۱۴۶۴-۱۵۳۴م) از جمله عالمان دینی بود که به ایران مهاجرت کرد و مقام شیخ الاسلامی یافت (همانجا).

جبل عامل در عهد عثمانیان: دولت عثمانی در ۹۲۲ق/۱۵۱۶م به حکومت مملوکان بر شام خاتمه داد. سپس در عهد سلطان سلیم به مصر لشکر کشید و با سلطان سلیم فاتحانه به قاهره در نزدیکی قاهره جنگید. در ۹۲۳ق سلطان سلیم فاتحانه به قاهره درآمد و سلسله مملوکی آنجا را برانداخت. عثمانیان همان تقسیم‌بندیهای اداری مملوکان را نگه داشتند و در نتیجه همان نظام ارباب و رعیتی پیشین محفوظ ماند. در جبل عامل هم که در دوره مملوکان چندین خاندان اربابی همچون: خاندان بشاره، شکر، علی صغیر، سرزمین را میان خود قسمت کرده بودند، با فتح عثمانی دو خاندان اربابی تازه به دوران رسیده نیز در صحنه آشکار شدند: آل صعب، حاکمان شقیف؛ و آل منکر، حاکمان اقلیم التفاح. در نتیجه، شکل حکومت اربابی در منطقه جبل عامل بدین گونه شد: هر خانواده اربابی در اراضی تحت حاکمیت خود از استقلال اداری برخوردار بود و ارباب حاکم در اداره قلمرو خویش آزادی عمل داشت و از اراضی خود محافظت می‌کرد. هیچ قدرت مافوقی در منطقه وجود نداشت و قدرت دولت تنها، قدرتی اسمی بود که در حق مالیات‌گیری و جمع‌آوری باج و خراجهای تعیین‌شده بر طبق شرایط خلاصه می‌شد، بی آنکه حق



وضعیت جغرافیای انسانی و طبیعی جبل عامل حداکثر استفاده را کرد و دژها و باروهای پراکنده در هر سوی منطقه را استوار ساخت (همو، ۹۱).

امیران معنی در این دوره به رفتارهای تجاوزگرانه برضد عاملیان ادامه دادند و همین امر، عاملیان را وا داشت تا برای دفاع از حقوق خود در برابر هر نیروی مهاجم جدید آماده شدند. پیشوایان عشیرگان بنی عامله نیز بیش از پیش مصمم به قیام شدند و دست در دست یکدیگر نهادند. با از میان رفتن امیر فخر الدین در منطقه سخت‌ترین درگیریها میان دو حزب کهن، از میان یمنیان، آل علم الدین و از میان قیسیان، آل معن رخ داد و سخت‌تر از همه، جنگی بود که در شهر عاملی انصار هنگامی روی داد که امیر علی علم الدین با پشتیبانی والی دمشق زمام امور جبل عامل را به دست گرفت و با امیر ملحم بن یونس به چندین جنگ خونین پرداخت. امیر ملحم از اهالی انصار به انتقام جانب‌داری از دشمنان یمنی‌اش به کشتاری وحشت‌بار دست بازید و ۱۵۰۰ تن از ایشان را به قتل آورد (بنوت، ۹۳-۹۵).

در نتیجه این پیکارها و کشت و کشتارها که میان ملاکان منطقه زیر نظر دولت عثمانی رخ می‌داد، دولت به راحتی توانست در ۱۰۷۱ق/۱۶۶۰م ایالت صیدا را در امتداد نهر الکلب از شمال تا جبل عامل در جنوب تأسیس کند که شامل سنجقهای صیدا، بیروت، عکا، جبل عامل و بلاد صفد و الجلیل می‌شد و علی پاشا کیرلی را به حکومت آن ایالت گماشت. مردم از پرداخت مالیات به معینان خودداری کردند و از این‌رو، امیر احمد معنی در ۱۰۷۷ق/۱۶۶۶م به پیکار با ایشان پرداخت و در نبطیه، مرکز حکومت آل صعّب با ایشان جنگید و از ایشان شکست سختی خورد. آن‌گاه والی صیدا بدانجا تاخت تا مالیات را بگیرد، اما او هم با شکست مواجه گردید و مردم او را به عین المزراب در صیدا راندند. این پیروزی موقعیت آل صعّب را در منطقه بالا برد (همو، ۹۵-۹۶) و در تمامی مدت حکومت معینان وضع بدین‌گونه بود تا اینکه امیر احمد در ۱۱۰۸ق/۱۶۹۷م درگذشت و حکومت معینان بر جبل عامل پایان یافت (همانجا).

با سقوط حکومت معینان امیر بشیر شهابی در شوف زمام امور را به دست گرفت و دولت شهابیان را روی کار آورد که با همان روشها و نظامهای سیاسی پیشین اربابی به حکومت ادامه دادند و در همان آغاز حکومت ایشان، یکی از اربابان جبل عامل به نام مشرف بن علی صغیر به طور مستقیم به مخالفت با امیر بشیر شهابی و حامیان وی پرداخت و از اطاعت ارسلان پاشا سر باز زد و گروهی از عالمان دربارش را گرفت و به قتل رساند (ضاهر، ۵۲-۵۳؛ بنوت، ۹۶-۹۷).

مشرف در پی این حادثه بر بالای وادی عاشور در کناره

مداخله در امور داخلی سرزمین را داشته باشد. هر حاکمی ارتش خاص خود را داشت تا از ایالت خود به دفاع بپردازد و هرگاه از سوی دشمنی از بیرون تهدید می‌شد، ایالت‌های دیگر به کمک و یاری‌اش برمی‌خاستند. بدین‌ترتیب، خود ارباب حاکم در محل، به عنوان نماینده دولت عثمانی به شمار می‌رفت و نیازی نبود که دولت کارمندی استخدام کند و به منطقه بفرستد (همو، ۸۳-۸۴).

یکی از عالمان دینی برجسته در این دوره که نقشی بنیادین در پیشبرد اندیشه فقهاتی و علوم داشت علامه زین الدین علی بن احمد، معروف به شهید ثانی بود. او در ۱۳ شوال ۹۱۱ق/۱۵۰۵م در جبّاع، از توابع التفاح متولد شد و در نزد پدر پس از حفظ قرآن به تحصیل پرداخت. سپس به مدرسه مشهور میس الجبل، و پس از آن به کرک نوح رفت و به تحصیل خود ادامه داد. او پس از سفر به دمشق و مصر و گزاردن حج به زادگاهش جبل عامل بازگشت (همو، ۸۵).

شخصیت برجسته دیگر جبل عامل در این دوره علامه حسین بن عبد الصمد بود که در پی نامساعد شدن جبل عامل برای اشاعه اندیشه‌هایش، به بحرین کوچید و در آنجا تا پایان عمر به تدریس پرداخت. شخصیت دینی و سیاسی دیگر این دوره، فرزند همین شیخ حسین، شیخ محمد بن حسین بن عبد الصمد، مشهور به بهاء الدین عاملی (شیخ بهایی) است که در ۹۵۳ق/۱۵۴۶م در بعلبک ولادت یافت و سپس همراه پدرش به سوی ایران روان شد و در قزوین اقامت گزید. او پس از تحصیل نزد پدر و دیگر بزرگان علم و طی ۳۰ سال گشت و گذار علمی در مشرق، به اصفهان رفت و در آنجا ریاست عالمان دینی را برعهده گرفت تا در ۱۰۳۰ق/۱۶۲۱م در همان‌جا درگذشت (بعلبکی، ۱۷۶).

گسترش نظام اربابی پیشین جبل عامل در دوره حکومت عثمانی و پیدایش چهره‌هایی جدید از اربابان درگیریهای خونینی را میان اربابان بومی و اربابان جدید از یک سو، و توده مردم با ایشان از سوی دیگر موجب شد. این وضع از زمان امیر فخر الدین معنی دوم تا رفتن جزّار از منطقه ادامه داشت، و جبل عامل زمانی که به اقطاع خاندان معن، و بعد از ایشان به قلمرو شهابیان درآمد، اوضاع بدتری یافت و از ابتدای سده ۱۱ق/۱۷م تا پایان سده ۱۲ق/۱۸م هدف مبارزات مردم رهایی از ستم امیران آل معن، و پس از ایشان امیران شهابی بود که کاری جز گردآوری هرچه بیشتر مالیات و تضمینشان برای دولت عثمانی نداشتند (بنوت، ۸۹-۹۰).

جبل عامل از ۱۰۱۷ق/۱۶۰۸م جزو قلمرو اقطاعی دولت عثمانی به امیر فخر الدین معنی درآمد و او قلمرو خود را از شمال طرابلس تا جنوب صفد گسترش داد و اربابان بومی را در جنگهایی متعدد از پا درآورد؛ نیز برای حفظ موقعیت خود، از

صور منزل گزید و در جهت غربی آن مسجد بزرگی ساخت که اکنون ویران شده است. والی عثمانی صیدا از امیر بشیر اول، امیر شوف، خواست شیخ مشرف را در قرارگاهش در مُزیرعه یا مزرعه مشرف از آبادیهای بلاد بشاره تعقیب کند. امیربشیر با لشکری ۸ هزار نفره بدانجا شتافت و شیخ مشرف را غافل گیر کرد. آن گاه بسیاری از کسانش را کشت و خود او را نزد والی برد. والی قلمرو صفا به پادشاه این خدمت تا المعاملتین را بر اقطاع امیر بشیر افزود، اما در پی این رویداد که به تحکیم موقعیت شهبایان انجامید، درگیریهای پی در پی میان ایشان و عاملیان آغاز گردید (امین،/عیان... ۱۲۵/۱۰؛ بنوت، ۹۷).

با درگذشت بشیر یکم شهبایی، والی صیدا سیاست خود را در جهت خشنودسازی عاملیان تغییر داد و ایالتهای صفا و بلاد بشاره، شومر، تفاح و شقیف را به طور مستقیم از حکومت شوف جدا ساخت و حکومت صفا و عکا را به ظاهر عمر زیدانی بخشید، حکومت اقلیمهای شومر و تفاح را به آل منکر داد و حکومت اقلیم شقیف را به آل صعب وا گذارد (ضاهر، ۲۲۶). امیرحیدر شهبایی که در این هنگام بر سر کار آمده بود، از این تحولات ناراضی بود؛ از این رو، تصمیم گرفت با ۱۲ هزار سپاهی به جبل عامل حمله کند. آل علی صغیر با هم پیمانان خود، آل منکر و آل صعب در شهر نبطیه پناه گرفته بودند که امیرحیدر بدانجا تاخت و میانشان جنگی در گرفت که با پیروزی امیر شهبایی پایان یافت. او جبل عامل را به تصرف در آورد و کارگزاری، به نام محمود ابهرموش را به حکومت آنجا گماشت. در نتیجه، حاکمان محلی آل صغیر و هم پیمانانشان پراکنده شدند و حکومت جبل عامل را به امیر شهبایی وا گذاردند (بنوت، ۹۸).

ابهرموش پس از به دست گرفتن زمام حکومت جبل عامل با والی صیدا که از کارهای امیر شهبایی خشمگین بود، روابطی مستقیم برقرار کرد؛ در نتیجه، میان ابهرموش و امیر شهبایی درگیریهای در غزیر و عین داره رخ داد. در ۱۱۴۲ق/۱۷۲۹م امیر ملحم شهبایی به جانشینی پدرش زمام امور را به دست گرفت و سیاستی توسعه طلبانه نسبت به همه ایالتهای پیرامون قلمرو خود پیشه کرد و جبل عامل هدف نخست سیاست وی شد. او با امکانهایی که والی صیدا، سعد الدین پاشا در اختیارش قرار داد، توانست با ۱۵ هزار تن سپاهی جبل عامل را به تصرف خود در آورد. وی به هرجا که گام می نهاد، آتش می افروخت و خونها می ریخت (همانجا). این درگیریها همچنان ادامه داشت، تا اینکه در ۱۱۴۷ق/۱۷۳۴م، عاملیان بر ضد سعد الدین پاشا سر به شورش برداشتند و از پرداخت مالیاتهای حکومتی سر باز زدند و به اقلیم التفاح که تابع حکومت امیر ملحم بود، دست اندازی کردند. امیر به جنگ با ایشان لشکر کشید و قریه انصار را که

آل منکر و آل صعب در آنجا بودند، گرفت و غارت کرد و بسیاری از مردم را کشت، چنان که شمار کشته شدگان در آن جنگ را ۱۶۰۰ تن نوشته اند. آن گاه آنجا را به آتش کشید و به دیر القمر بازگشت (ضاهر، ۴۹۴-۴۹۵).

همان گونه که عاملیان در خلال حکومت معنیان به هر وسیله ممکن از پذیرفتن حکومت اربابان خارجی بر سرزمینشان سر باز می زدند و والی عثمانی صیدا به حمایت از دولت عثمانی پیوسته فرمان حمله به جبل عامل را صادر می کرد، در دوره حکومت شهبایان نیز زیر بار نمی رفتند و همواره از پرداختن مالیاتهای سنگینی که بر ایشان می بستند، شانه خالی می کردند (نک: بنوت، ۹۹).

با اختیارات بی حد و حصری که امیر ملحم شهبایی از سوی دولت عثمانی گرفته بود، دست به چندین حمله سرکوبگرانه به جبل عامل زد. او به شهر یارون، مرکز خاندان علی صغیر حمله کرد (۱۱۴۷ق/۱۷۳۴م) و با ایشان در درون شهر به جنگی خونین پرداخت و آل علی صغیر را شکست سختی داد و به شهر خسارتهای بسیاری زد (همانجا). در ۱۱۵۶ق/۱۷۴۳م نیز با نیروی ۱۵ هزار نفری به شهر انصار حمله برد و پس از ورود به شهر با سپاهیان حاکمان محلی جبل عامل به جنگی بسیار خونین دست زد که فقط خسارت جانی آن ۱۶۰۰ تن بود. سال بعد نیز میان ایشان جنگ مرجعین رخ داد که در آن عاملیان پیروز شدند و از یمینان شوفی و اهالی وادی التیم ۳۰۰ تن را کشتند و روستاها را به آتش کشیدند (همو، ۹۹-۱۰۰).

جبل عامل در خلال نیمه اول سده ۱۲ق/۱۸م از هر طرف با چندین تجاوز روبه رو بود؛ از دریا با حمله های دزدان دریایی اروپایی، از جنوب با تلاشهای ظاهر عمر و فرزندانش برای گسترش نفوذ خود بر جبل عامل، از سوی شرق، با حمله های عرب صحرا و قبیله های شرق اردن برای چپاول شهرها، و از شمال با حمله های هواداران امپراتوری عثمانی و والیان ایشان در صیدا، و امیران آل شهاب و دار و دسته های ایشان. در نتیجه، تنها راه برای جلوگیری از همه این تجاوزها و خطرها، یکپارچگی صفها و نیروها در راه حمایت و دفاع از مردم جبل عامل بود. در این اوضاع، ناصیف نصار ظهور کرد. او ابتدا اهالی جبل عامل را گرد هم آورد و با بزرگان محلی ارتباط برقرار کرد. آن گاه دژ تبین را - که دارای باروهای استوار و برجهای بلند بود - مقر حکومت خویش گردانید. سپس در ۱۱۶۳ق/۱۷۵۰م ساختمان باروهای سرتاسر جبل عامل را نوسازی کرد و آنها را به نیروهای رزمنده و سلاح مجهز گردانید، و در گسترش امنیت راهها و بسط عدالت، آن اندازه کوشید که نامش به دلآوری در سرتاسر شام پیچید (آل صفا، ۱۱۶-۱۱۹).

را به نام دولت مملوکی به اجرا درآورد (همو، ۱۰۶).

دولت عثمانی که از این هم‌پیمانی به هراس افتاده بود، تلاش کرد تا پیمان را برهم بزند. علی بیگ بزرگ که بر همه نهادهای دولتی مصر دست یافته، و حاکم عثمانی را از مصر بیرون رانده بود، از پرداخت مالیات به باب عالی خودداری کرد، آن‌گاه در ۱۱۸۲ق/ ۱۷۶۸م به نام خود سکه ضرب کرد و خیر تمام این کارها را برای متحدش، ظاهر عمر فرستاد (همانجا).

هم‌زمان با پدید آمدن هم‌پیمانی سه‌جانبه، طرح مشترکی میان نیروهای سه‌گانه برقرار شد که این هدفها را دنبال می‌کرد:

۱. یکپارچه‌سازی نیروهای بومی بلاد جنوبی شام و مصر در جبهه‌ای متحد، برای رویارویی با هرگونه خطر احتمالی، با حفظ خودمختاری هر نیرو، به منظور رها شدن از ستم و جور والیان عثمانی، و صیانت از آزادی همراه ماندن در همبستگی با سلطان مسلمانان [حاکم مملوکی مصر].

۲. رهایی از سلطه عثمانی در همه شهرهای سوریه از غزه گرفته تا طرابلس و بخش وسیعی از فلسطین و ولایت صیدا.

۳. کشیده شدن سلطه علی بیگ بزرگ تا غزه و باقی ماندن بقیه بلاد در اختیار ظاهر عمر، ضمن اینکه هر یک از ایشان می‌توانست به تنهایی به پیشروی در سرزمینهای تحت فرمان خود بپردازد.

۴. حاکمیت ناصیف نصار بر جبل عامل، بدون دخالت شیخ قبیلان، حاکم هونین، که در هنگام جنگ برپا شده برای پیشروی، در سوریه نقشی ایفا کرده بود (همو، ۱۰۶-۱۰۷).

در ۱۱۸۵ق/ ۱۷۷۷م عثمان پاشا، والی دمشق به کمک امیر یوسف شهابی، والی صیدا به جنگ ناصیف نصار، حاکم جبل عامل و متحدش، ظاهر عمر رفت. میان دو طرف ۳ جنگ در محلهای بحره (۱۱۸۵ق)، گفَر رُمان (۱۱۸۵ق) و دشت غازیه (۱۱۸۶ق) روی داد که پیروزی در آنها با حاکم جبل عامل بود (نک: ققیه، ۲۱۵-۲۲۷).

پیمان سه‌جانبه با برکناری علی بیگ بزرگ، حاکم مصر، توسط محمد ابوالذهب از فرماندهان نیروهای مصری به پایان رسید و دولت عثمانی به ابوالذهب دستور حمله به عکا را داد تا به حکومت ظاهر عمر در آنجا پایان دهد. او با ارتشی ۷۰ هزار نفری بدانجا روی آورد و ظاهر عمر گریخت و ابوالذهب عکا را به اشغال خود درآورد، اما اجل مهلتش نداد و مرگ او را در ربود. در نتیجه، ارتش مهاجم به مصر عقب نشست و ظاهر عمر به عکا بازگشت و دولت عثمانی برای رهایی از دست او، در ۱۱۹۰ق/ ۱۷۷۶م حمله جدیدی را به فرماندهی وزیر حسن پاشا الجزایری آغاز کرد. او از سوریه گذر کرد و در پناه نیروی دریایی عثمانی خود را به بندر صیدا رسانید و در آنجا لنگر انداخت (آل صفا، ۱۱۶؛ بنوت، ۱۱۷).

در پایان نیمه نخست سده ۱۲ق/ ۱۸م در شام ۳ نیروی متحد و مخالف والی شام و دولت عثمانی در صحنه آشکار شدند که عبارت‌اند از: ۱. علی بیگ بزرگ در مصر، ۲. ظاهر عمر زیدانی در فلسطین، و ۳. ناصیف نصار در جبل عامل.

در حالی که علی بیگ به گسترش نفوذ خود در سرتاسر شام می‌اندیشید و ظاهر عمر به گسترش قدرت خود در جبل عامل، ناصیف نصار در جهت تأمین امنیت و صلح و آسایش در جبل عامل می‌کوشید و هدف او رهایی جبل عامل از نفوذ والی صیدا و هم‌پیمانان شهابی وی، و حفظ استقلال خویش در اداره جبل عامل بود (بنوت، ۱۰۳-۱۰۴).

ناصر نصار نهضت خود را با خودداری از پرداخت مالیاتهای بسته شده بر جبل عامل از سوی والی صیدا، آغاز کرد. همچنین ۱۵۰ سوار برای ضبط و مصادره اموال دولتی فرستاد و بدیشان دستور داد در صورت خودداری مأموران دولتی از تسلیم کردن کالاها با ایشان درگیر شوند (همو، ۱۰۴). این مخالفتها و شورشها ارتش دولتی را وا داشت تا برای پایان دادن بدین‌گونه کارها، به مداخله مستقیم بپردازد، اما دولت عثمانی که از گسترده‌تر شدن درگیریها هراس داشت، ارتش را از هرگونه مداخله‌ای باز داشت، به‌خصوص پس از آنکه پیمانهای اتحاد نیروهای محلی در منطقه آشکار شد (همو، ۱۰۴-۱۰۵).

هنگامی که ظاهر عمر در سوریه جنوبی و فلسطین زمام امور را به دست گرفت، توجه خود را به شمال و به سوی جبل عامل معطوف کرد و به ناصیف نصار که در دژ بسیار مستحکم تبین اقامت داشت، در پیچید و طی نامه‌ای خواستار تسلیم دو آبادی بصره و مارون گردید و مدعی شد که آنها چون تابع فلسطین‌اند، او باید از آنها دست بکشد، اما ناصیف از پذیرش آن؛ سر باز زد (آل صفا، ۱۱۷-۱۱۸). از آن سو، ظاهر عمر پس از دریافت پاسخ نصار سپاه گرد کرد و به بصره و مارون حمله‌ور شد و کارگزاران او را بیرون راند. اما مأموران ناصیف که به منطقه رسیده بودند، جلو سپاهیان ظاهر عمر را گرفتند و میان دو طرف درگیری رخ داد که گاهی این پیروز می‌شد و گاهی آن؛ اما با ایستادگی عاملیان، ظاهر عمر به قدرت ایشان پی برد و چون نشانه‌های مداخله خارجی در صحنه منطقه آشکار شده بود، آنان دست از درگیری برداشتند و معاهده صلحی با این مضمون میان ناصیف و ظاهر بسته شد: «در عکا، در روز جمعه ۸ رجب ۱۱۸۱ق/ ۱۷۶۷م به امضا رسید و هر دو طرف به شمشیر و مصحف (قرآن کریم) سوگند خوردند که هم خودشان و هم اتباعشان تا آسمان و زمین بر جای‌اند، حقوق یکدیگر را رعایت و تضمین کنند» (همو، ۱۱۹-۱۲۱؛ بنوت، ۱۰۵). با این پیمان علی بیگ بزرگ فرصتی یافت تا طرح گسترش قلمرو حکومتی خود

به رهبری دو برادر به نامهای حسین و محمد علی شیب شد که به مدت ۳ سال از ۱۲۵۲ تا ۱۲۵۵/ق/۱۸۳۶-۱۸۳۹م ادامه داشت (همو، ۱۲۸).

در ۱۲۵۶/ق/۱۸۴۰م حمد محمود، از افراد خاندان آل علی صغیر، رهبری قیام عاملیان بر ضد نیروهای مصری را برعهده گرفت. او به یاری عثمانیها نیروهای امیرمجید شهابی را شکست داد و مصریان را از جبل عامل بیرون راند و از جانب عثمانیها به حکومت جبل عامل رسید و ملقب به «شیخ مشایخ بلاد بشاره» گردید و تا ۱۲۶۹/ق/۱۸۵۲م که درگذشت، در این سمت باقی بود (نک: آل صفا، ۱۵۰-۱۵۷؛ بنوت، ۱۳۳-۱۳۵).

در ۱۸۶۰م که در جبل لبنان میان سکنه جنگ گروهی روی داد و ویرانیها و تلفات بسیاری به بار آورد، جبل عامل که از مناطق امن به شمار می‌رفت، پذیرای صدها تن از مسیحیانی شد که از آنجا گریختند و به جبل، به‌ویژه به دو منطقه اقلیم التفاح و شقیف و شهر صور مهاجرت کردند (همو، ۱۳۵-۱۳۶). در همین زمان اربابان فتودال جبل عامل نیز میان خود درگیریهای پیدا کردند و رنجها و مصیبت‌هایی از این ناحیه دامنگیر رعیتها شد. با اوج‌گیری درگیریها، وزیر خارجه دولت عثمانی، قواد پاشا، همه ایشان را به دمشق فرا خواند و چون بدانجا رسیدند، از بازگشتشان به جبل عامل جلوگیری کرد و همه را به اقامت اجباری در آنجا تا پایان عمر وا داشت. در قصیده‌ای از سروده‌های عباس بلاغی، از شاعران جبل عامل، از رنجها، شکنجه‌ها و رفتارهای زشت اربابان با رعیتها سخن رفته است (همو، ۱۳۶-۱۳۷؛ مظفری، ۱۳۶).

دولت عثمانی پس از چیرگی بر اربابان جبل عامل و منطقه، به دگرگون‌سازی نقشه اداری پرداخت و در ۱۲۸۱/ق/۱۸۶۴م قانون ولایتها و ایالتها را صادر کرد که طی آن ایالت صیدا منحل گردید و سوریه یک ولایت، و جبل لبنان یک حاکم‌نشین شد. بدین ترتیب، ولایت جدید سوریه از ۸ سنجق (استان) تشکیل یافت: بیروت، شام، طرابلس، لاذقیه، عکا، حماه، بلقاء و حوران. جبل عامل جزو سنجق بیروت شد که خود ۴ شهرستان داشت: بیروت، صیدا، صور و مرجعیون. بدین ترتیب، جبل عامل تابع بیروت، و بیروت تابع ولایت سوریه شد (بنوت، ۱۳۹-۱۴۰).  
جبل عامل تا پایان جنگ جهانی اول (۱۳۳۶/ق/۱۹۱۸م) و فروپاشی امپراتوری عثمانی در قلمرو عثمانیان باقی بود. در آن زمان بر پایه معاهده سری سایکس-پیکو، که میان انگلیسیها و فرانسویها بسته شده بود، بیشتر اراضی لبنان از جمله شهرهای ساحلی و دشتهای جنوب لبنان و جبل عامل به تصرف فرانسویها درآمد؛ اما مردم جبل عامل خواهان ملحق شدن به سوریه بودند که در آن زمان ملک فیصل اول به عنوان پادشاه بر آنجا حکومت داشت. از این‌رو، ناآرامیهای منطقه جبل عامل را فرا

در این زمان، تنها ظاهر عمر در صحنه باقی مانده بود و با قتل وی در ۷۰ سالگی و بروز اختلاف در میان پسرانش، در صحنه به جز ناصیف نصار دیگر هیچ‌کس باقی نماند. در چنین وضعیتی احمد پاشا جزار از سوی باب عالی عثمانی به حکومت عکا تعیین شد (همو، ۱۱۷-۱۱۸) و با تجربه‌ای که در کشت و کشتار مخالفان داشت، نه تنها فرزندان ظاهر عمر را قلع و قمع کرد، بلکه به رام‌سازی جبل عامل نیز رو آورد تا همه منطقه را به زیر سلطه خود کشاند. بدین منظور، معاون خود، سلیم را با لشکری ۳ هزار نفری بدانجا فرستاد که در منطقه بارون با نیروهای تجهیز شده ناصیف نصار درگیر شدند و در این درگیری نصار به قتل رسید و سپاهیانش پراکنده شدند (همو، ۱۱۸-۱۱۹).

جزار در پی این پیروزی، در سرتاسر جبل عامل دست به ویران ساختن خانه‌ها و قتل‌عام زد و جماعتی از بزرگان را دستگیر و در زندان خفه کرد و دیگر بزرگان به بلاد مجاور گریختند (آل صفا، ۱۳۸). از جمله فرهیختگان و عالمان بزرگی همچون شیخ ابراهیم یحیی شاعر، شیخ علی خاتونی طیب و ققیه، سید ابوالحسن بن سید حیدر امین، و شیخ حسن سلیمان، و شیخ محمد حر و دیگران به سوریه، عراق، ایران، هندوستان و دیگر کشورها گریختند. در همین هنگام، جزار قلعه شقیف را هم که در دست شیخ حیدر فارس بود، به توپ بست و قلعه را وادار به تسلیم کرد (همو، ۱۳۷-۱۳۸؛ مظفری، ۱۶۰-۱۶۱؛ بنوت، ۱۱۹-۱۲۰). در غارت سپاه جزار از جبل عامل، کتابخانه‌های منطقه به دست ایشان افتاد و نسخه‌های خطی نفیس که بالغ بر ۵ هزار نسخه می‌شدند، در تونهای عکا طعمه آتش گردید (بنوت، همانجا).

در ۱۲۴۷/ق/۱۸۳۷م ارتش و نیروی دریایی جدیدی که محمدعلی پاشا در مصر تشکیل داده بود، به فرماندهی پسر بزرگ‌تر او، ابراهیم پاشا، از مصر به سمت فلسطین و لبنان حرکت کرد و پس از اشغال یافا، به اشغال حیفا، صور، صیدا و بیروت پرداخت و سپس عکا را پس از ۶ ماه محاصره به تصرف درآورد و والی آنجا را اسیر کرد.

ابراهیم پاشا برای اداره بلاد شام که آنها را به تصرف درآورده بود، امیر بشیر دوم، امیر جبل لبنان را مسئول چندین ایالت در منطقه گردانید. امیربشیر دوم با اختیارات کاملی که از ابراهیم پاشا گرفته بود، امیر بشیر قاسم را به حکومت صیدا، و امیرحسن اسعد را به حکومت صور، و برادرزاده خود مجید را بر دیگر قسمتهای جبل عامل گماشت و ایشان به اجرای سیاست قلع و قمع مخالفان در جبل رو آوردند و به مطالبه مالیاتهای سنگین پرداختند و صدها تن از اهالی را زندانی کردند (آل صفا، ۱۴۶؛ بنوت، ۱۲۶). این سخت‌گیریها منجر به قیام مسلحانه مردم

برخی نام جبله را برگرفته از نام گابالا در زبان یونانی دانسته‌اند؛ اما برخی دیگر این نام را به جبله بن ایهم (د ۲۰ق)، آخرین امیر غسانی شام، منسوب می‌دارند که هنگام مهاجرت از جزیره العرب به قلمرو رومیها، در این منطقه اقامت گزید (همانجا؛ III/36، IA).

برپایه آثار باستانی به دست آمده در این شهر، برخی قدمت جبله را به روزگار کنعانیان می‌رسانند، اما آنچه مسلم است این بندر در دوره فنیقیها از بندرهای مهم تجارتي به شمار می‌رفته است (المعجم، همانجا؛ EI<sup>2</sup>). این شهر در ۶۴ ق م به استیلای رومیها درآمد و تجارت و بازرگانی در این بندر رشد و رونق یافت. در زمان فرمانروایی یوستینیانوس (حک ۵۲۷-۵۶۵ م) در آنجا قلعه‌ای با شکوه ساخته شد که بیشتر ساکنان آنجا را راهبان مسیحی تشکیل می‌دادند (نک: بلاذری، ۱۸۲؛ نیز نک: «تاریخ مدینه...»، بش).

جبله در زمان فتوح عربها در شام، در ۶۳۸ ق م به فرماندهی عباده بن صامت گشوده شد (واقعی، ۳۶/۲؛ بلاذری، همانجا). به دنبال تصرف این شهر به دست عربها، رومیها آنجا را ترک کردند. معاویه بن ابی سفیان در بیرون از حصار شهر دوره رومیها، قلعه دیگری بنیاد نهاد و دسته‌هایی از سپاهیان عرب را در آنجا مستقر کرد (نک: همانجا). به گزارش یعقوبی (تاریخ، ۴۹۱/۲) در ۲۴۵ ق ۸۵۹ م، زمین لزره‌ای شدید در جبله و همچنین لاذقیه روی داد و منجر به کشته شدن بسیاری از اهالی آنجا شد (نیز نک: ابن اثیر، ۸۷/۷)؛ اما با توجه به گزارشهای جغرافیانویسان اسلامی در سده‌های ۳ و ۴ ق جبله پس از وقوع زمین لرزه می‌بایست رونق و اعتبار گذشته خود را بازیافته باشد، زیرا این شهر در آن روزگار از شهرهای ثغور بحریه، در سواحل جند حمص به شمار می‌رفته است و ساکنان آن را همدانها و گروههایی از اقوام قیس و ایاد تشکیل می‌داده‌اند (ابن خردادبه، ۲۵۵؛ یعقوبی، «البلدان»، ۳۲۴-۳۲۵؛ مقدسی، ۱۵۴).

جبله در دوره حکومت حمدانیان در قلمرو آنان قرار داشت («تاریخ مدینه»، بش.) در ۳۵۸ ق ۹۶۹ م، رومیها دوباره این شهر را تصرف کردند (همانجا؛ نک: ابن اثیر، ۵۹۶/۸-۵۹۷) و در ۴۷۳ ق ۱۰۸۰ م، قاضی تنوخی معروف به ابن ضلیعه، به کمک قاضی جلال الدین بن عمار، حاکم طرابلس، جبله را از رومیها بازپس گرفت (نک: یاقوت، ۲۵/۲؛ «تاریخ مدینه»، بش).

در ۴۹۴ ق ۱۱۰۷ م، صلیبها به جبله حمله کردند؛ ابومحمد عبید الله بن منصور معروف به ابن صلیحه، قاضی جبله، با صلیبها به مبارزه پرداخت و آنان را شکست داد. در اثنای این

گرفت (نک: همو، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۶-۲۰۳؛ آل صفا، ۲۲۳-۲۲۹). در ۱۳۳۸ ق ۱۹۲۰ م، فرانسه برپایی کشور لبنان تحت قیمومت خود را اعلام داشت و پس از آن جبل عامل به یکی از استانهای این کشور نوینباد بدل گشت؛ اما ناآرامیها بر ضد فرانسویها همچنان ادامه داشت و مردم جبل عامل همچون بیشتر مردم لبنان خواهان پیوستن به سوریه بودند تا آنکه در ۱۳۳۲ ق ۱۹۴۳ م لبنان به استقلال کامل رسید (نک: بنوت، ۲۹۳-۲۹۴).

مآخذ: آل صفا، محمد جابر، *تاریخ جبل عامل*، بیروت، ۱۹۸۱؛ آمدی، حسن، *المؤتلف والمختلف*، به کوشش عبد الستار احمد فراج، قاهره، ۱۳۸۱ ق ۱۹۶۷ م؛ ابن ابی الحدید، شرح *نیج البلاغه*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۵ ق ۱۹۶۵ م؛ ابن اثیر، *الکامل*؛ ابن جبر، محمد، *رحله*، بیروت، ۱۴۰۴ ق ۱۹۸۴ م؛ ابن حزم، علی، *جمهره انساب العرب*، بیروت، ۱۴۰۳ ق ۱۹۸۳ م؛ ابن شداد، محمد، *الاعلاقی الخظیریة*، به کوشش سامی دهان، دمشق، ۱۳۸۲ ق ۱۹۶۲ م؛ ابن عسری، غریغوریوس، *تاریخ مختصر الدول*، به کوشش انطون صالحانی، حازمیة، ۱۴۰۳ ق ۱۹۸۳ م؛ ابن قتیبه، عبد الله، *الشعر والشعراء*، لیدن، ۱۹۰۲؛ ابوالفرج اصفهانی، *الاعلاقی*، قاهره، ۱۹۶۳ م؛ *اطلس العالم*، بیروت، مکتبه لبنان؛ امین، محسن، *اعیان الشیعة*، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۶ ق ۱۹۸۶ م؛ همو، *خطب جبل عامل*، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ ق ۱۹۸۳ م؛ بعلبکی، میخائیل موسی الوف، *تاریخ بعلبک*، بیروت، ۱۹۲۶ م؛ بلاذری، احمد، *انساب الاشراف*، به کوشش محمد حمید الله، قاهره، ۱۹۵۹ م؛ بنوت، *جهد، حرکات النضال فی جبل عامل*، به کوشش وجیه کونرانی، بیروت، ۱۹۹۳ م؛ حتی، فیلیپ، *لبنان فی التاریخ*، ترجمه انیس فریحه، به کوشش نقولا زیاده، بیروت، ۱۹۵۹ م؛ حوت، بیان نویهض، *فلسطین*، بیروت، ۱۹۹۱ م؛ سعانی، عبد الکریم، *الانساب*، به کوشش عبد الله عمربارودی، بیروت، ۱۴۰۸ ق ۱۹۸۸ م؛ صاعد اندلسی، *التعریف بطبقات الامم*، به کوشش غلامرضا جمشیدزاد اول، تهران، ۱۳۷۴ ش؛ ضاهر، مسعود، *الجدور التاریخیة للمسألة الطائفیة اللبانیة*، بیروت، ۱۹۸۶ م؛ طبری، *تاریخ*؛ طراونه، طه تلجی، *مملکت صفد فی عهد الممالیک*، بیروت، ۱۴۰۲ ق ۱۹۸۲ م؛ عثمانه، خلیل، *فلسطین فی خمسة قرون*، بیروت، ۱۴۰۶ ق ۱۹۸۶ م؛ عهد جدید؛ فقیه، محمد تقی، *جبل عامل فی التاریخ*، بیروت، ۱۴۰۶ ق ۱۹۸۶ م؛ قرآن کریم؛ مظفری، محمد حسین، *تاریخ الشیعة*، قم، ۱۳۹۹ ق ۱۹۷۹ م؛ مقدسی، محمد، *احسن التقاسیم*، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۰۶ م؛ مقریزی، احمد، *السلوک*، ج (۲)، به کوشش محمد مصطفی زیاده، قاهره، ۱۳۷۶ ق ۱۹۵۷ م، ج (۱) و (۲)؛ مکی، محمد علی، *لبنان من الفتح العربی الی الفتح العثماني*، بیروت، ۱۹۷۷ م؛ به کوشش سعید عبد الفتاح عاشور، قاهره، ۱۹۷۲ م؛ یعقوبی، احمد، «البلدان»، *هسره الاعلاقی النفیسه* این رسته، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۱ م؛ همو، *تاریخ*، بیروت، ۱۴۱۵ ق ۱۹۹۵ م؛ نیز: EI<sup>2</sup> غلامرضا جمشیدزاد اول

جَبَلِ لُبْنَان، نک: لبنان، جبل.  
جَبَلِ نُور، نک: حراء، کوه.

جَبَلَه، شهری بندری در غرب سوریه در استان لاذقیه. این شهر با ۷۰۸۷۵ تن جمعیت (۱۳۸۶ ش/۲۰۰۷ م)، در دشتی ساحلی در ۳۰ کیلومتری جنوب بندر لاذقیه در کنار دریای مدیترانه واقع است (المعجم... ۶۳۰/۲؛ «فرهنگ...»). در دشت جبله زراعت و باغداری رونق فراوان دارد و گندم، جو، حبوبات، پنبه، تنباکو، مرکبات و زیتون از عمده‌ترین محصولات کشاورزی آنجا سنت (المعجم، همانجا).